نماز چیست؟

شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی

نیایش و پرستش

در آن لحظه که آدمی به کمال و شکوه بی‌نهایت آفریدگار جهان می‌اندیشد، سراپا شیفته آن می‌شود؛ دل و جانش به خضوع و خشوع و فروتنی می‌گراید؛ با آهنگ فطرت در برابر ان همه کمال و عظمت سر تعظیم فرود می‌آورد: «رکوع»؛ سر به زمین می‌ساید: «سجود»؛ و زبان به ستایش می‌گشاید: «حمد و تسبیح».

راز و نیاز

و در آن لحظه که انسان خود را به کمک نیرویی برتر از ماده نیازمند می‌یابد، دل به سوی آفریدگار دانا و توانا و مهربان جهان می‌آورد؛ راز و نیاز خود را با او در میان می‌نهد و او را به کمک می‌خواند: «دعا».

عبادت

آن نیایش و پرستش و این راز و نیاز و کمک‌خواهی، در زبان قرآن «عبادت» نامیده می‌شود.
قرآن عبادت را مخصوص خدای یکتا می‌شمرد و پرستش هر کس و هر چیز دیگر جز خدا را حرام و گناهی بس بزرگ می‌داند:

«و قضي ربك الا تعبدوا الا اياه...[1]»

«فرمان خدا بر ان رفته که جز او را نپرستید...»

اسلام از نظر کلی، برای عبادت خدای یکتا هیچ زبان یا شکل خاصی معین نکرده و هیچ قید و شرطی نگذارده است. تنها شرط مهم عبادت در اسلام این است که آنچه بندگان خدا به عنوان عبادت به جا می‌آورند به اوهام و خرافات، شرک، خودنمایی و ریا الوده نباشد.

بنابراین، مسلمانان با رعایت کامل این نکات، در هر وقت و هر جا، به هر زبان و هر لغت و به هر شکل و هر جور که بخواهند می‌توانند به نیایش خدا و راز و نیاز با او بپردازند.

نماز

نماز، مراسم مخصوصی برای پرستش خدا و راز و نیاز با اوست که در آن جنبه‌های ارزنده و آموزنده خاصی در نظرگرفته شده، و به همین جهت شکل مخصوصی به خود گرفته است.

سرود توحید و یکتاپرستی

سرود فضیلت و پاکی

نماز، سرود توحید و یکتاپرستی و سرود فضیلت و پاکی است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک‌زا و آلوده‌کننده‌ای که در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم پاک و یکتاپرست نگهدارد.

هر یک از ما در زندگی روزانه خود سرگرم کار و هدف خویش است و کمتر به چیزی دیگر جز آن می‌اندیشد.

سرگرمی به کار و تلاش روزانه در راه زندگی، برای بشر امری طبیعی و ضروری است؛ به جسم و جانش نشاط می‌بخشد، راه‌های جدید زندگی را به روی او می‌گشاید و او را در راه علم و هنر و صنعت و ایجاد وسایل گوناگون بهتر زیستن به جلو می‌راند؛ ولی در عین حال او را چنان در خود و آرزوهایش فرو می‌برد که گه‌گاه برای رسیدن به

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، دستش، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به تنظیف روزانه آن‌ها نیازمند نگردد. دانش‌آموز یا دانشجویی که درس می‌خواند، معلمی که درس می‌دهد، کشاورزی که به کند و کاو زمین، کاشتن تخم یا نشاندن نهال، آبیاری، وجین یا درو و برداشت محصول مشغول است، کارگر یا مهندسی که در کارگاه کار می‌کند، پرستار یا پزشکی که با بیماران سر و کار دارد، بانوی خانه‌داری که خانه را اداره می‌کند، پیشه‌ور یا بازرگانی که به داد و ستد مشغول است و محققی که به کاوش علمی می‌پردازد، همه باید روزی یک یا چند بار لباس و تن خود را شست و شو دهند تا پاکیزه بمانند.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی است: آلودگی به هوس‌های تحریک شده و لجام گسیخته، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌های برانگیخته، غرور ناشی از پیروزی و کامیابی، یا عقده روانی ناشی از شکست و ناکامی، و به دنبال ان حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر.

این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از راه راست زندگی، راه پاکی و فضیلت و تقوا منحرف می‌سازد و به راه فساد می‌کشاند؛ از یاد خدا غافل می‌کند و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

شست و شوی دل و جان

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شوییم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست و شو دهیم و پاکیزه کنیم؛ خود را به خدا، سرچشمه پاکی و کمال، نزدیک سازیم؛ لحظاتی را به یاد او، به نیایش او و راز و نیاز با او بگذرانیم و روح آلوده را در چشمه صاف و زلال الهی شست و شو دهیم. این است نمازی که مسلمان روزی چند بار می‌خواند.

از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که در گفت و گویی کوتاه با یاران خود چنین فرمود:

ـ فرض کنید در برابر خانه یکی از شما نهری روان باشد و هر روز در آن پنج بار شست و شو کند. آیا به تن او هیچ آلودگی می‌ماند؟

ـ نه، این شست و شو به تن او هیچ آلودگی نمی‌گذارد.

ـ نماز پنج گانه هم همین اثر را دارد. با پنج نماز در روز، خدا لغزش‌ها را از آدمی می‌زداید و او را پاکیزه می‌کند[۲].

نمازهای روزانه

۱ـ صبح: پس از سپیده صبح؛

۲ـ ظهر: نیمروز؛

۳ـ عصر: تقریبا ۲ تا ۳ ساعت بعد از ظهر[۳]؛

۴ـ مغرب: پس از غروب آفتاب[۴]؛

۵ـ عشاء: شامگاه که هوا تاریک می‌شود[۵].

اینها اوقات اصلی نمازند و چه بهتر که نماز در همین اوقات خوانده شود. ولی برای هر یک از نمازهای پنجگانه وقت وسیع‌تری به ترتیب زیر معین شده تا اگر نمازگزار به علت کار یا موانع دیگر نتوانست در ساعات نامبرده نماز بگزارد وقت وسیع‌تری در اختیار داشته باشد:

نماز صبح: از سپیده صبح تا طلوع آفتاب؛

نماز ظهر: از نیمروز تا غروب آفتاب؛

نماز عصر: پس از نماز ظهر تا غروب آفتاب؛

نماز مغرب: از مغرب تا نیمه شب[۶]؛

نماز عشاء: پس از نماز مغرب تا نیمه شب[۷].
مسلمان، بامداد که سر از خواب برمی‌دارد، نماز می‌گزارد تا برنامه روزانه را با پاکی و حسن نیت و توجه به خدا شروع کند.
ظهر که برای صرف ناهار موقتا دست از کار می‌کشد باز نماز می‌گزارد، تا همچنان که به جسم خود از راه غذا، نیرو و نشاط تازه می‌بخشد، به روح نیز از راه نماز نیرو و نشاط معنوی تازه دهد. و عصر، پیش از انکه بخش دوم کار روزانه خود را اغاز کند، باز نماز می‌خواند تا با یاد خدا به کار خود پردازد.
پس از غروب آفتاب که غالباً با پایان کار روزانه و صرف شام همراه است، باز نماز می‌گزارد و غذا دادن به جسم را با غذا دادن به روح همراه می‌کند.
شامگاه که برای خوابیدن آماده می‌شود باز در برابر خدای خود می‌ایستد و نماز می‌گزارد؛ برنامه روزانه را که با نماز و یاد خدا شروع کرده بود با نماز و یاد خدا نیز پایان می‌دهد و با دلی پاک و جانی آرام گرفته به خواب می‌رود:
«و اقم الصلوه طرفي النهار و زلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات، ذلك ذكري للذاكرين[۸]»
«در دو طرف روز و پاره‌ای از شب به نیایش برخیز که نیکی‌ها بدی‌ها را می‌زداید. آن، برای هشیاردلان، خود یک یاداوری است».

اذان

فرا رسیدن وقت هر نماز با «اذان» اعلام می‌شود. هنگام سپیده صبح، ظهر، عصر، غروب آفتاب و در نخستین لحظات تاریک شدن هوا در هر منطقه اسلامی با اهنگ روح‌نواز اذان به همه اعلام می‌شود که وقت نماز فرا رسیده است:
«الله اکبر، الله اکبر. الله اکبر، الله اکبر».
خدا از همه بزرگ‌تر است.
«اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان لا اله الا الله».
آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.
«اشهد ان محمدا رسول الله. اشهد ان محمدا رسول الله[۹]».
آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که محمد (ص) پیغمبر خداست.
«حي علي الصلاه. حي الصلاه».
زود برای نماز بیایید.
«حي علي الفلاح. حي علي الفلاح».
به سوی رستگاری بشتابید.
«حي علي خير العمل. حي علي خير العمل».
به سوی بهترین کارها بشتابید.
«الله اکبر.الله اکبر».
خدا از همه بزرگتر است.
«لا اله الا الله».
جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

اقامه

با اهنگ اذان، نمازگزار خود را برای نماز آماده می‌کند و به محل نماز می‌آید.
آن‌ها که می‌خواهند در نماز جماعت (نماز دسته‌جمعی) شرکت کنند، به مسجد یا محل دیگری که برای نماز دسته‌جمعی آماده است می‌روند.

در این وقت بار دیگر برپا داشتن نماز (اقامه) به ترتیب زیر اعلام می‌شود:

«الله اکبر، الله اکبر».

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان لا اله الا الله».

آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

«اشهد ان محمدا رسول الله. اشهد ان محمدا رسول الله».

آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که محمد(ص) پیغمبر خداست.

«حي علي الصلاه. حي علي الصلاه».

زود برای نماز بیایید.

«حي علي الفلاح. حي علي الفلاح».

به سوی رستگاری بشتابید.

«حي علي خير العمل. حي علي خير العمل».

به سوی بهترین کارها بشتابید.

«قد قامت الصلاه. قد قامت الصلاه».

نماز به‌پا شد.

«الله اکبر. الله اکبر».

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«لا اله الا الله».

جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

چگونه برای نماز آماده می‌شویم؟

شست و شویی کن و آنگه به نیایش بر خیز!

وضو

نخست صورت و بعد دست‌ها را از آرنج تا انگشتان می‌شوییم و بعد جلوی سر و روی پاها را دست می‌کشیم.

«یا ایها الذین امنوا اذا قمتم الي الصلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الي المرافق و امسحوا برؤسکم و ارجلکم الي الکعبین[10]».

«ای مسلمانان، وقتی به نماز برخاستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید، قسمتی از سر و همه پا را تا برآمدگی روی ان دست بکشید...»

این شست و شو باید با نیتی پاک و برای خدا باشد.

اگر جای دیگری از بدن آلوده باشد می‌شوییم و لباس پاک می‌پوشیم[11].

قبله

آنگاه رو به خانه «کعبه» می‌ایستیم؛ خانه‌ای که یاد بود «ابراهیم»، قهرمان توحید، و «اسماعیل» فرزند اوست و این پدر و پسر پاکیزه سرشت ان را برای پرستش خدای یکتا در سرزمین«مکه» ساختند.

اسلام این خانه را کانون یکتاپرستی معرفی کرد و به مسلمانان دستور داد تا در هر نقطه جهان هستند به سوی آن نماز بگزارند تا نقطه مرکزی یکتاپرستی گردد:

«و من حیث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره...[12]»

«و از هر جا بیرون رفتی، رو به سوی مسجدالحرام بگردان و در هر جا بودید به سوی آن رو بگردانید...»

در جایی به نماز می‌ایستیم و با لباسی نماز می‌گزاریم که استفاده از ان برای نماز از نظر رعایت حقوق دیگران یا جهات دیگر ممنوع نباشد.

چگونه نماز می‌خوانیم؟

با روحی آماده، فارغ از هر فکر دیگر، دل به سوی خدا می‌آوریم و می‌گوییم: **«الله اکبر»**.
خدا از هر کس و هر چیز بزرگ‌تر و از آن‌چه در تصور ما بگنجد برتر است.
با آهنگ **الله اکبر** ـ خدای از همه بزرگ‌تر ـ همه عظمت‌های دیگر در چشم نمازگزار فرو می‌ریزند؛ تنها به عظمت خدا می‌اندیشد و با دل و جانی خاضع در برابر او آماده نیایش آفریدگار می‌شود.
از این لحظه تا پایان نماز همواره رو به سوی کعبه به نیایش و پرستش خدا و راز و نیاز با او می‌پردازیم، بی آنکه با کسی سخن گوییم یا به کسی پاسخ دهیم.
در ستایش او نخست، سوره «حمد» را با توجه به معانی پر ارجی که در آن امده می‌خوانیم:
«بسم الله الرحمن الرحیم»
به نام خدای مهربان مهرورز.
«الحمد لله رب العالمین»
ستایش مخصوص خدا، خداوند جهانیان است.
مسلمان هر کار و هر سخن را فقط به نام خدا شروع می‌کند و در جامعه مسلمانان هر چیزی تنها «به نام خدا» افتتاح می‌شود.
از نظر اسلام، ستایش مخصوص خداست که کمال بی‌نهایت است. غیر از خدا هیچ کس و هیچ چیز شایسته ستایش نیست. از هر کس و هر چیز در حدود ارزش واقعی‌اش می‌توان قدردانی و در حدود محبت و خدمتش می‌توان تشکر کرد، ولی قدردانی و تشکر هرگز نباید رنگ چاپلوسی، مداحی و ستایشگری به خود گیرد.
مداحی و ستایشگری یک آفت بزرگ اخلاقی و یک آفت بزرگ اجتماعی است.
مداح و چاپلوس از یک طرف شخصیت خود را می‌کشد و خود را به دست خود پست و زبون می‌کند و از طرف دیگر با مداحی و چاپلوسی، شخصیت‌های دروغین اجتماعی می‌سازد که روز به روز مغرورتر و خودپسندتر می‌شوند؛ دیگر نه خودشان به فکر آن می‌افتند که نواقص واقعی خود را بشناسند و نه به کسی این اجازه و فرصت را می‌دهند که از آنها انتقاد کند. مداحان فرومایه کم‌کم آنها را در جامعه به صورت بت‌هایی مغرور، خودکامه و خطرناک در می‌آورند که خودآگاه یا ناخودآگاه انتظار دارند مردم به آنها به حد پرستش احترام بگذارند و از آراء و افکارشان بی چون و چرا پیروی کنند.
اسلام با اعلام مکرر این حقیقت که: «ستایش مخصوص خداست» می‌خواهد هرگز در جامعه یکتاپرستی اسلامی چنین بت‌های خودکامه و مغروری به وجود نیایند و راه انتقاد منطقی و بی‌غرض از هر کس در هر مقام به روی همه باز باشد.
«الرحمن الرحیم»
خدای مهربان مهرورز.
«مالك یوم الدین»
دارنده روز پاداش.
مسلمان از یک طرف به بخشایش الهی ایمان دارد و از طرف دیگر به پاداش اعمال. به رحمت خدا امیدوار است، ولی نگران کیفر او نیز هست و هرگز مغرور نمی‌شود، زیرا هر نیک و بدی از او سرزند سزای آن را در روز پاداش خواهد دید.
«ایاك نعبد و ایاك نستعین»

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.
مسلمان همواره بر خدا و نیروها و امکانات فراوانی که او در دسترسش گذارده تکیه می‌کند و دست نیاز پیش احدی نمی‌برد.
او در کار خود البته از دیگران کمک می‌گیرد، ولی این‌کمک‌گیری یا به صورت قرارداد است، یا جنبه رفاقت و دوستی دارد، یا طبق قوانین و سنن است ـ که انها هم خود نوعی قرارداد اجتماعی هستند. به هر صورت، او در برابر کمکی که می‌خواهد، نقد یا نسیه کمکی هم می‌دهد، بی آنکه کمک دیگران به او یا کمک او به دیگران رنگ آقامنشی داشته و با منت همراه باشد.
مسلمان کمک آقامنشانه قبول نمی‌کند و چشم طمع به دست این و آن نمی‌دوزد؛ به عکس، با اتکای بر خدا و نیروهای خداداد کار می‌کند و با استفاده از نیروی کار و ابتکار خود به تأمین شرافتمندانه نیازمندی‌های زندگی و خواسته‌ها و آرزوهای خویش می‌پردازد.
«اهدنا الصراط المستقیم»
راه راست را به ما بنما.
«صراط الذین انعمت علیهم»
راه آن‌ها که از نعمت خود برخوردارشان ساختی.
«غیرالمغضوب علیهم»
نه آن‌ها که بر ایشان خشم رفته.
«و لا الضالین»
و نه گمراهان.
این اساسی‌ترین دعای هر مسلمان در نماز روزانه‌اش با خداست. از او می‌خواهد که همواره راه راست زندگی را به او بنمایاند و پیش پایش نهد؛ راهی که او را به استفاده از نعمت‌های خداداد توانا کند، از محرومیت‌های نابجا که ناشی از تنبلی یا بیراهه رفتن انسان و نشانه‌ای از خشم خداست نجات بخشد و مانع تلف شدن نابجای نیروهای ارزنده او در بیراهه‌ها گردد.
پس از سوره حمد، نمازگزار یک سوره دیگر از قران می‌خواند. برای نمونه، سوره «توحید» را با ترجمه و توضیح آن می‌نویسیم.
«بسم الله الرحمن الرحیم»
به نام خدای مهربان مهرورز.
«قل هو الله احد»
بگو اوست خدای یکتا.
«الله الصمد»
خدا کامل و بی‌نقص و بی‌نیاز است.
«لم یلد و لم یولد»
نه زاییده و نه زاییده شده.
«ولم یکن له کفوا احد».
و نه هیچ کس همتای او بوده است.
این است عقیده یک مسلمان درباره خدا، در مقابل عقیده‌های خرافی دیگر، مثلا عقیده بیشتر مسیحیان که به خدای پدر ـ پسر معتقدند و در کنار ان دو، روح القدس را هم خدای سوم می‌دانند و این سه خدای با هم یکی شده را می‌پرستند (تثلیث)؛ یا در برابر مجسمه حضرت مریم (ع) یا شخصیت‌های برجسته دیگر ان مذهب می‌ایستند و راز و نیاز و نیایش می‌کنند و...

نمازگزار پس از ستایش و نیایش و راز و نیاز با خدا در برابر عظمت او سر تعظیم فرو می‌اورد؛ تا زانو خم می‌شود (رکوع)، و زبان به ستایش الهی می‌گشاید؛ مثلاً می‌گوید:

«سبحان ربي العظيم و بحمده»

خدای بزرگ خود را می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم. یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله»

پیراسته باد خدا؛ پیراسته باد خدا؛ پیراسته باد خدا.

نمازگزار با این جمله که در رکوع نماز می‌گوید بار دیگر شعار توحید و یکتاپرستی را تکرار می‌کند و می‌گوید:

بارالها! تنها عظمتی که مرا در برابر خود به خم شدن و رکوع وا می‌دارد تویی. در برابر هیچ چیز جز تو برای تعظیم و بزرگداشت قد خم نمی‌کنم. در برابر همه قدرت‌های طبیعی و انسانی سر راست می‌گیرم و هرگز اجازه نمی‌دهم قامت راستی‌که به من داده‌ای و فکر و اراده آزادی که به من ارزانی داشته‌ای در برابر این قدرت‌ها خم شوند.

این است مسلمان تربیت شده اسلام که در برابر همه صاحبان قدرت و ثروت و جاه و مقام سر راست می‌گیرد و هرگز در برابر این و آن تعظیم نمی‌کند.

بعد، سر از رکوع بر می‌دارد و راست می‌ایستد. آنگاه بار دیگر در برابر کمال و عظمت الهی با فروتنی و خضوع بیشتر به روی خاک می‌افتد.

سر انگشت بزرگ دو پا، زانوها و کف دست‌ها را روی زمین، و پیشانی را بر روی خاک[۱۳] می‌نهد: «سجده». بار دیگر زبان به ستایش الهی می‌گشاید و می‌گوید:

«سبحان ربي الاعلي و بحمده»

خداوند خود را که از همه بالاتر و برتر است می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.

یا می‌گوید:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله».

نمازگزار با این جمله‌ها در حالت سجود، که نمودار کامل‌تری از خضوع و خشوع و فروتنی است، بار دیگر آهنگ توحید و یکتاپرستی را در گوش جان زمزمه می‌کند و می‌گوید: دیگران در برابر غیر خدا، در برابر صاحبان ثروت و قدرت به خاک می‌افتند، اما من که یک مسلمانم تنها در برابر خدا، خدایی که برتر از همه است، به خاک می‌افتم و هرگز در برابر هیچ کس و هیچ چیز جز او به خاک نخواهم افتاد.

سپس سر از خاک بر می‌دارد و می‌نشیند.

بار دیگر سجده می‌کند: پیشانی بر خاک می‌نهد و ستایش‌خود را تکرار می‌کند. بعد سر از خاک بر می‌دارد و می‌نشیند.

رکعت

از خواندن سوره حمد تا اینجا یک «رکعت» نماز نامیده می‌شود؛ زیرا در ان یک «رکوع» هست. نمازهای روزانه دو، سه، یا چهار رکعتی‌اند.

نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نمازهای ظهر و عصر و عشاء معمولا چهار رکعت و در اثنای مسافرت دو رکعت‌اند.

برای اینکه یاد گرفتن نماز برای آنها که آشنایی‌شان کم است آسان شود، هر یک از نمازهای روزانه را به همان اندازه که واجب است، صرف نظر از مستحبّات، در اینجا می‌آوریم:

۱ـ نماز صبح

پس از وضو و آمادگی‌های قبلی دیگر، با دلی پاک، دور از هرگونه خودنمایی و تظاهر رو به قبله به نماز می‌ایستیم و می‌گوییم:

«الله اکبر».

و سوره حمد را می‌خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین. الرحمن الرحیم. مالك یوم الدین. ایاك نعبد و ایاك نستعین. اهدنا الصراط المستقیم. صراط الذین انعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین.

و یک سوره دیگر از قرآن، مثلا سوره توحید:

بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد. الله الصمد. لم‌یلد و لم‌یولد و لم‌یکن له کفوا احد.

پس از ان در برابر عظمت الهی تا زانو خم می‌شویم: «رکوع» می‌کنیم؛ عظمت او را می‌ستاییم و مثلاً می‌گوییم:

«سبحان ربي العظیم و بحمده...»

یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله».

سپس راست می‌ایستیم و بعد در برابر خدای بالاتر از همه، به خاک می‌افتیم. دو سر انگشت بزرگ (شست) پا، دو سر زانو و دو کف دست روی زمین، و پیشانی را بر خاک یا سنگ یا چوب یا حصیر یا مانند آن می‌نهیم: «سجده» می‌کنیم؛ خدای برتر از همه را می‌ستاییم و مثلاً می‌گوییم:

«سبحان ربي الاعلي و بحمده...»

یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله».

سپس سر از زمین بر می‌داریم و می‌نشینیم. بار دیگر سجده می‌کنیم. به ترتیبی که گفتیم، پیشانی بر زمین می‌گذاریم و می‌گوییم:

«سبحان ربي الاعلي و بحمده».

یا:

«سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله».

پس از ان سر از زمین بر می‌داریم و می‌نشینیم. تا اینجا یک رکعت از دو رکعت نماز صبح را آنجام داده‌ایم. اینک برای رکعت دوم از جا برمی‌خیزیم و می‌ایستیم. سوره حمد و یک سوره دیگر، مثلا سوره توحید را می‌خوانیم؛ سپس رکوع و دو سجده را به شرحی که گفتیم به جا می‌آوریم. سر از سجده دوم بر می‌داریم؛ می‌نشینیم و می‌گوییم:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له».

بر این حقیقت گواهم که جز آفریدگار خدایی و برای او شریکی نیست.

«و اشهد ان محمدا عبده و رسوله».

و بر این حقیقت گواهم که محمد (ص) بنده و پیغمبر خداست.

«اللهم صل علي محمد و ال محمد».

بارالها! بر محمد و دودمان محمد درود فرست.

«السلام علیك ایها النبي و رحمه الله و بر کاته».

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

«السلام علینا و علي عباد الله الصالحین».

درود بر ما و بر بندگان شایسته کار خدا.
«السلام علیکم و رحمه الله و بر کاته».
درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما[۱۴].
نماز صبح به این صورت تمام می‌شود.
در این قسمت آخر نماز، بار دیگر نمازگزار به یگانگی خدا اعتراف می‌کند و همراه آن با صراحت می‌گوید: محمد بنده خدا و پیغمبر خداست. و بر او و دودمانش و بندگان نیکوکار خدا درود می‌فرستد.
مسلمانان هر روز حداقل نه بار این جمله را - که محمد بنده خدا است - تکرار می‌کنند تا هرگز چون مسیحیان دچار انحراف نشوند و محمد را از حد بندگی به حد خدایی، یا نیمه خدایی، یا فرزند خدا بودن، بالا نبرند. آنان بر پیغمبر، پیشوای بزرگ اسلام، بر دودمان پاک او، و بر بندگان نیکوکار خدا سلام می‌گویند و درود می‌فرستند و اعلام می‌دارند که مسلمان در هر نقطه دنیا که باشد عضوی از امت اسلام و با همه مسلمانان و بندگان نیکوکار خدا همبستگی دارد. این همبستگی آن‌قدر ریشه‌دار و گسترده است که هر مسلمان، حتی در موقعی که تنها به نماز ایستاده، خود را در جمع مسلمانان دیگر می‌یابد؛ گویی همه آن‌ها همیشه با هم‌اند. بدین جهت در پایان نماز به همه آن‌ها سلام می‌گوید آن هم به صورت خطاب، یعنی گفت و گوی حضوری و با این عبارت که:
«السلام علیکم و رحمه الله و برکاته».
درود خدا و رحمت و برکات او بر«شما» باد.

۲ـ نماز ظهر

پس از وضو و آمادگی‌های قبلی دیگر، با دلی دور از هر گونه تظاهر و ریا، رو به قبله به نماز می‌ایستیم و می‌گوییم:
«الله اکبر»
سوره حمد و بعد از ان یک سوره دیگر از قرآن، مثلا سوره توحید را می‌خوانیم.
به رکوع می‌رویم.
سر از رکوع بر می‌داریم و می‌ایستیم.
به سجده می‌رویم.
سر از سجده بر می‌داریم.
دوباره به سجده می‌رویم.
سر از سجده بر می‌داریم و می‌نشینیم.
برای رکعت دوم از جا بر می‌خیزیم و می‌ایستیم.
دوباره سوره حمد و یک سوره دیگر از قرآن، مثلاً همان سوره توحید را می‌خوانیم.
به رکوع می‌رویم.
سر از رکوع بر می‌داریم و می‌ایستیم.
به سجده می‌رویم.
سر از سجده بر می‌داریم و می‌نشینیم.
دوباره به سجده می‌رویم.
سر از سجده دوم رکعت دوم برمی داریم و می‌گوییم:
«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له».
«و اشهد ان محمدا عبده و رسوله».
«اللهم صل علي محمد و ال محمد».
برای رکعت سوم از جا بر می‌خیزیم.

سوره حمد را می‌خوانیم، یا به جای سوره حمد می‌گوییم:
«سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر».
پیراسته باد خدا، ستایش مخصوص خداست. جز خدا افریدگاری نیست و خدا از همه بزرگ‌تر است.
به رکوع می‌رویم.
سر از رکوع بر می‌داریم و راست می‌ایستیم.
به سجده می‌رویم.
سر از سجده بر می‌داریم و می‌نشینیم.
دوباره به سجده می‌رویم.
سر از سجده دوم رکعت سوم بر می‌داریم و می‌نشینیم.
برای رکعت چهارم از جا بر می‌خیزیم.
باز سوره حمد را می‌خوانیم، یا به جای آن می‌گوییم:
«سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر».
به رکوع می‌رویم.
سر از رکوع بر می‌داریم و می‌ایستیم.
به سجده می‌رویم.
سر از سجده بر می‌داریم و می‌نشینیم.
دوباره به سجده می‌رویم.
سر از سجده دوم رکعت چهارم بر می‌داریم. می‌نشینیم و می‌گوییم:
«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له»
«و اشهد ان محمدا عبده و رسوله»
«اللهم صل علي‌محمد و ال محمد».
«السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و بركاته».
«السلام علينا و علي عبادالله الصالحين».
«السلام عليكم و رحمه الله و بر كاته».

۳ـ نماز عصر

مثل نماز ظهر

۴ـ نماز مغرب

نماز مغرب سه رکعت است.
بنابراین، پس از انکه از سجده دوم رکعت سوم سر برداشتیم دیگر برای رکعت چهارم از جا بر نمی‌خیزیم؛ بلکه می‌نشینیم و می‌گوییم:
«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له»
«و اشهد ان محمدا عبده و رسوله»
«اللهم صل علي محمد و ال محمد».
«السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و بركاته».
«السلام علينا و علي عبادالله الصالحين».
«السلام عليكم و رحمه الله و بركاته».

۵ـ نماز عشاء

مثل نماز ظهر[۱۵]

تاثیر عمیق نماز در انسان

این است نماز اسلام که باید ان را سرود توحید و یکتاپرستی، سرود حفظ شخصیت انسان، سرود پاکی و فضیلت، سرود صلح و صفا با همه بندگان نیکوکار خدا نامید. سرودی که همه مسلمانان باید روزی پنج بار بخوانند تا یاد خدا و ملکات عالی انسانی همواره در آنان زنده بماند و از راه راست خدا، از آلودگی به شرک، از خودباختگی در برابر زیبایی‌ها، یا مرعوب شدن در برابر قدرت‌های خودکامه، از ناسازگاری با بندگان نیکوکار خدا و از مفاسد دیگر روحی مصون بمانند.درست مثل سرودی که سربازان صبح و شام می‌خوانند تا روح سلحشوری در آنان زنده بماند؛ یا پیشاهنگان می‌خوانند تاروح نیکوکاری در آنان تقویت شود.

قرآن کریم در باره تأثیر عمیق نماز در انسان می‌گوید:

«اتل ما اوحي اليك من الكتاب، و اقم الصلوه، ان الصلوه تنهي عن الفحشاء والمنكر و لذكر الله اكبر، و الله يعلم ما تصنعون[۱۶]».

«آن‌چه از کتاب بر تو وحی شده برخوان و نماز را بپا کن که نماز جلوی کارهای زشت و پلید را می‌گیرد و از همه مهم‌تر یاد خداست. و خدا می‌داند شما چه می‌کنید».

نماز به آدمی نشاط معنوی خاصی می‌دهد و از پژمردگی و افسردگی روح جلوگیری می‌کند.

نماز یک نوع تمرین وظیفه‌شناسی است. کسی که به‌نمازهای روزانه پای‌بند باشد لااقل در برابر بی‌بند و باری و سهل‌انگاری نسبت به وظایف دیگر مصون می‌ماند و نماز به پیشرفت او در زندگی کمک می‌کند:

«واستعينوا بالصبر و الصلوه و انها لكبيره الا علي الخاشعين.الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم و انهم اليه راجعون[۱۷]».

«در راه زندگی از شکیبایی و نماز کمک گیرید هر چند نماز خود، کار سنگینی است؛ مگر بر فروتن‌ها، که عقیده دارند سرآنجام پیش خدای خویش می‌روند و به‌سوی او باز می‌گردند».

نماز برای عده‌ای از مردم تکلیفی سنگین است، ولی برای آن‌ها که به هستی جاوید انسان معتقدند و ایمان دارند که باید همواره خود را پاک نگاه داشت و در راه تکامل کوشید تا به‌کمال جاوید الهی پیوست، راز و نیازی لذت بخش و نشاط آور با خدای بزرگ و مهربان است.

اسلام از همان روزهای اول، مسلمانان را به نماز دعوت کرد. در روزهای نخستین که جز پیغمبر و همسرش خدیجه و پسر عمویش علی هنوز کسی به اسلام نگرویده بود، پیغمبر و علی روزها را با هم به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند و آنجا نماز می‌گزاردند[۱۸].

مخالفین اسلام نمازگزاران را مسخره و گاهی اذیت می‌کردند. مسلمان‌ها برای انکه با آرامش خاطر نماز بگزارند به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند و با هم نماز می‌خواندند، ولی مخالفین همانجا هم مزاحم آنها می‌شدند و گاه‌گاه کار به زد و خورد می‌کشید[۱۹]. اما فشار و آزار مخالفین، یا تمسخر آنها، نه تنها مسلمانان را از انجام فریضه نماز باز نمی‌داشت، بلکه بر پافشاری آنان در انجام این نیایش لذت‌بخش می‌افزود.

پیغمبر(ص) به آنها گفته بود نماز شعار یکتاپرستی است و مسلمانان به هیچ وجه نباید از آن غفلت کنند.

«بنی‌ثقیف» یکی از قبایل بزرگ بودند و در شهر «طایف» و اطراف آن زندگی می‌کردند. آنان در سال هشتم هجرت (تقریبا سه سال پیش از رحلت پیغمبر) هیأتی را به نمایندگی به مدینه فرستادند تا با پیغمبر درباره اسلام آنان مذاکره و شرایط خاصی در این زمینه پیشنهاد کنند. این هیأت ضمن مذاکره خود به پیغمبر پیشنهاد کردند که بنی‌ثقیف مسلمان بشوند، ولی از خواندن نماز معاف باشند. پیغمبر(ص) ضمن پاسخ به آن‌ها فرمود:

«...و اما الصلاه؛ لا خير في دين لا صلاه فيه[۲۰]»

«... اما در مورد نماز؛ مسلمان شدنی که با نماز خواندن همراه نباشد ارزشی ندارد».

اگر مسلمان در شرایطی قرار گرفته که نمی‌تواند به صورت معمولی نماز بخواند، به هر صورتی کـه بتوانـد بایـد نمـاز بگزارد: نشسته، خوابیده، سوار اسب، در ماشین یا قطار یا هواپیما، پشت تانک و زره‌پوش و...

نماز جماعت

اسلام تاکید کرده مسلمانان به صورت دسته جمعی زندگی کنند و حتی دسته‌جمعی نمـاز بگزارنـد ـ اگـر مـسجدی هست در مسجد، و گرنه هر جا مناسب باشد: در صحرا، در سالن مدرسه، در کارگاه و کارخانه یا در خانه‌ها. وقتی در یک محل نماز جماعت خوانده می‌شود همه بکوشند تا از خانه یا محل کار خود بـه آنجـا برونـد و در نمـاز جماعـت شرکت کنند.

برای برگزار کردن نماز جماعت، نمازگزاران روبه قبله درصف‌های منظم به نماز می‌ایستند. یک نفر جلو مـی‌ایـستد و نماز دسته جمعی را رهبری می‌کند: «امام جماعت».

نماز جماعت در درجه اول به رهبری عالی‌ترین نماینده حکومت اسلامی در منطقه خوانـده مـی‌شـود؛ وگرنـه، خـود مردم از میان خود یک فرد شایسته را برای این کار انتخاب می‌کنند.

در نماز جماعت، حمد و سوره رکعت اول و دوم را فقط امام مـی‌خوانـد و نمـازگزاران دیگـر گـوش مـی‌کننـد، ولـی قسمت‌های دیگر نماز را همه با هم انجام می‌دهند.

نماز جمعه

نماز جمعه ان است که ظهر جمعه مسلمانان هر منطقه (تا شعاع ۶ کیلومتری) دور هم جمـع شـوند و بـا هـم نمـاز گزارند. در این نماز نخست امام جماعت در برابر حاضران می‌ایـستد و پـس ازسـتایش الهـی، بـا اسـتفاده از قـرآن و حدیث، و خواندن حداقل یک سوره از قرآن و توضیح آن، درباره تعالیم اسلام و مسائل اجتماعی امت اسلامی همه با هم به نماز می‌ایستند و مثل نماز صبح، دو رکعت به جماعت نماز می‌گزارند. در حقیقت دو سخنرانی قبل از نماز بـه جای دو رکعت نماز حساب می‌شود.

هر جا زمامدار عادل حکومت داشته باشد، در قلمرو حکومت او باید نماز جمعه برگزار شود و هر جا نماینده او حضور داشته باشد باید وی امامت نماز جمعه را شخصاً برعهده گیرد یا کسی را به جای خود به این سمت بگمـارد. در ایـن صورت همین که صدای اذان نماز جمعه بلند شد همه باید دست از کار بشکند و در محل نماز حاضر شوند:

«یا ایها الذین امنوا اذا نودي للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا الي‌ذکرالله و ذروا البیع، ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون[۲۱]»

«ای مسلمانان، وقتی بانگ نماز جمعه برخاست، شتابان برای یاد خدا (نماز) بروید و خرید و فروش را زمین بگذارید. اگر دانسته باشید، ان برای شما بهتر است».

پس از آن‌که نماز تمام شد هر کس می‌تواند پی کار خود برود:

«فاذا قضیت الصلوه فانتشروا في الارض و ابتغوا من فضل اللهو اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون[۲۲]»

«پس از آن‌که نماز برگزار شد در زمین پراکنده شوید و به‌دنبال بخشش الهی بروید و زیاده به یاد خدا باشید؛ شـاید که رستگار شوید».

اگر حکومت به دست زمامدار عادل نباشد، یا عده‌ای ازمسلمان‌ها در جایی زندگی می‌کنند که نماینده حکومت امـام عادل در آنجا نیست، بهتر است از میان خودشان یک فرد شایسته را که از عهده دو سـخنرانی پـیش از نمـاز برآیـد انتخاب کنند و نماز جمعه بگزارند؛ و گرنه می‌توانند نماز ظهر را به صورت عادی بخوانند.

نخستین نماز جمعه بعد از هجرت

وقتی پیغمبر(ص) به عنوان مهاجرت از مکه به مدینه می‌امد، در حومه مدینه در محلی به نام «قبا» که محل سکونت یک طایفه کوچک از اعراب بود توقف کرد. عده‌ای از مسلمانان برای دیدار پیغمبر(ص) و استقبال او از نقاط دیگر شهر به قبا امدند. عده‌ای هم از بیرون به آن‌ها ملحق شدند.

پیغمبر(ص) از روز یکشنبه تا پنجشنبه در قبا ماند و در همین چند روز مسجد اسلامی بنا کرد: «مسجد قبا». این نخستین مسجد اسلامی بود که به دست مسلمانان ساخته شد[۲۳].

صبح روز بعد، جمعه، پیغمبر(ص) و همراهان از قبا به سمت شهر حرکت کردند. هنگام ظهر به دره‌ای رسیدند که محل سکونت یک طایفه کوچک دیگر از اعراب بود. در اینجا پیغمبر نماز جمعه خواند. نخست در برابر صفوف مسلمانان ایستاد و برای آن‌ها درباره اسلام و وظایفی که در ان روزهای اول بنیانگذاری حکومت اسلامی بر عهده مسلمانان بود در دو نوبت صحبت کرد (خطبه خواند) و بعد همه با هم دور کعت نماز خواندند.

نماز عید

در اسلام دو عید رسمی هست: «عید فطر» و «عید قربان» (اضحی).

عید فطر روز اول شوال است که مسلمانان پس از روزه ماه رمضان، روزه خود را می‌شکنند و همه با هم این روز را به مناسبت پایان مراسم روزه جشن می‌گیرند.

عید قربان (اضحی) روز دهم ماه ذیحجه است که قسمت اصلی مراسم حج مسلمانانی که برای حج به مکه رفته‌اند برگزار شده و گوسفند یا گاو یا شتر قربانی می‌کنند. مقداری از آن را خودشان می‌خورند و مقداری به نیازمندان می‌دهند.

مسلمانان جهان همه جا این روز را به مناسبت پایان قسمت اصلی مراسم پر شکوه حج جشن می‌گیرند.

توجه دارید که این دو عید بزرگ اسلامی عید کار و عمل است. در عید فطر مسلمانان موفقیت خود را در روزه داشتن ماه رمضان و در عید قربان موفقیت امت اسلامی و موفقیت اسلام را در برگزاری مراسم شکوهمند حج جشن می‌گیرند.

برای برگزاری مراسم این دو جشن سالانه اسلامی، مسلمانان هر نقطه، گرد یک میدان فراخ، در دشت و صحرا، یا اگر هوا مساعد نباشد در یک سالن بزرگ، دور هم جمع می‌شوند؛ با شور و شادی همه باهم «الله اکبر» می‌گویند و خدا را می‌ستایند. سپس دسته جمعی به نیایش الهی می‌پردازند و دور کعت نماز به جماعت می‌خوانند. پس از پایان نماز، نمازگزاران با صدای بلند همه با هم چند بار «الله اکبر» می‌گویند. سپس امام جماعت در برابر آن‌ها صحبت می‌کند. معمولاً همراه این مراسم از حاضرین پذیرایی ساده‌ای به عمل می‌آید.

نماز جمعه و نماز عید، هم عبادت دسته جمعی است و هم نموداری از همبستگی سیاسی و اجتماعی اسلامی. به همین جهت، تشکیل و اداره انها در درجه اول از کارهای حکومت اسلامی است. هر جا حکومت اسلامی سر کار نباشد، مسلمانان خود می‌توانند اقدام کنند و این اجتماعات پاک و پرارزش اسلامی را که با پرستش و نیایش خدای یکتا و پاکی و صفا توام است به وجود آورند.

نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عید، از یک طرف در نمازگزاران اثر عمیق معنوی دارد و به رشد معنوی انان کمک می‌کند، و از طرف دیگر بر همبستگی و یکپارچگی مسلمانان می‌افزاید و بر روی هم از شعارهای ارزنده اسلامی است که باید در حفظ آن کوشید.

نماز آیات

کسانی هستند که در برابر خسوف (گرفتن و تاریک شدن قسمتی از ماه یا همه آن)، کسوف (گرفتن و تاریک شدن قسمتی از خورشید یا همه ان)، زلزله، طوفان، صاعقه و رعد و برق، سیل و حوادثی از این قبیل دچار وحشت می‌شوند و گاهی خود را به کلی می‌بازند.

از نظر اسلام این حوادث، مانند هزاران پدیده دیگر، نموداری از نظام پر شکوه عالم هستی است که به قدرت الهی به وجود آمده و بنابراین از نشانه‌ها و «آیات» قدرت و حکمت الهی است. بشر باید درباره این حوادث درست بیندیشد و دچار واهمه نشود. در گرفتن ماه و خورشید به جای کارهای موهومی که در میان بسیاری از اقوام و ملل معمول است[۲۴] به خدا توجه کند و دل به سوی او آورد: دو رکعت نماز بگزارد و خود را از افکار موهوم فارغ کند.

مسلمان باید در وقت زلزله، طوفان، صاعقه و رعد و برق، سیل و حوادثی از این قبیل که مایه ترس و وحشت عموم است، دل به سوی خدا آورد و بداند که خدا برای رهایی بشر از نتایج تلخ و شوم این حوادث طبیعی امکاناتی در اختیار او نهاده است. او باید تدبیری بیندیشد، از امکانات استفاده کند، چاره‌ای جوید و برای نجات خود و دیگران دست به کار شود و در اولین فرصت دو رکعت نماز بگزارد و خدا را سپاس گوید و با راز و نیاز با او، آرامش خود را باز یابد.

نماز آیات دو رکعت است؛ مانند نماز صبح. با این تفاوت که در هر رکعت به جای یک بار رکوع، پنج بار رکوع می‌کنیم و میان هر دو رکوع یک بار حمد و سوره می‌خوانیم؛ یا سوره‌ای را که معمولا پس از حمد خوانده می‌شود پنج قسمت می‌کنیم. قسمت اول را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم و بعد میان هر دو رکوع یک‌بار حمد و سوره می‌خوانیم، یا سوره‌ای را که معمولا پس از حمد خوانده می‌شود پنج قسمت می‌کنیم و قسمت اول را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم و بعد میان هر دو رکوع یک قسمت دیگر را می‌خوانیم تا سوره تمام شود. بنابراین، باید سوره‌ای انتخاب کنیم که ۵ آیه یا بیشتر داشته باشد. مثلا سوره «کافرون».

نماز آیات به شکل کوتاهش به ترتیب زیر خوانده می‌شود:

«الله اکبر»

بعد سوره حمد را می‌خوانیم و می‌گوییم:

«بسم الله الرحمن الرحیم. قل یا ایها الکافرون»

به نام خدای مهربان مهرورز. بگو ای کافران!

بعد به رکوع می‌رویم.

سر از رکوع بر می‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«لا اعبد ما تعبدون»

آن را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم.

به رکوع دوم می‌رویم.

سر از رکوع دوم بر می‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«و لا انتم عابدون ما اعبد»

شما هم آن را که من می‌پرستم نمی‌پرستید.

به رکوع سوم می‌رویم.

سر از رکوع سوم برمی‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«و لا انا عابد ما عبدتم، و لا انتم عابدون ما اعبد»

نه من آن‌ها را که شما می‌پرستید خواهم پرستید و نه شما آن را که من می‌پرستم خواهید پرستید.

به رکوع چهارم می‌رویم.

سر از رکوع چهارم برمی‌داریم. می‌ایستیم و می‌گوییم:

«لکم دینکم و لي دین».
دین شما مال شما، دین من مال من.
به رکوع پنجم می‌رویم.
سر از رکوع پنجم برمی‌داریم و می‌ایستیم.
بر خاک می‌افتیم و دو بار سجده می‌کنیم.
پس از سجده دوم، یک رکعت دیگر به همان ترتیب می‌خوانیم و بعد با تشهد و سلام نماز را تمام می‌کنیم.

دعا و قنوت

آن‌چه تا این‌جا گفتیم واجبات نماز بود. علاوه بر این، آدمی دلش می‌خواهد به دلخواه خود در نماز دعا و راز و نیاز کند. این نوع دعا و راز و نیاز بسیار خوب و مستحب است ـ مخصوصاً در رکعت دوم، پیش از رکوع؛ و اگر فراموش شود بعد از رکوع، که آن را «قنوت» نماز می‌نامند. در این دعاهای دلخواه، هر کس به هر عبارت و به هر زبان که دلش می‌خواهد با خدا راز و نیاز می‌کند.

نماز به زبان قرآن

روش مسلمانان از آغاز بر آن بوده که اذان و اقامه و قسمت‌های واجب نماز را به زبان عربی که زبان قرآن است بگویند. با توجه به این‌که نماز شعار بزرگ اسلام و امت اسلامی است؛ با توجه به این‌که مسلمانان جهان همه باید یکپارچه باشند و پیوندهای مشترک برای همبستگی و یکپارچگی یک امت ضروری است؛ با توجه به مراسم پر شکوه نماز جماعت و جمعه و نماز عید قربان در مراسم حج در مکه که هر سال با شرکت صدها هزار نفر از مسلمانان نقاط مختلف جهان که دارای زبان‌های گوناگون‌اند برگزار می‌شود، فهم این نکته آسان است که قسمت اصلی نماز و اذان و اقامه که اعلام عمومی برای نماز است، بهتر است به یک لغت عمومی اسلامی باشد که همه آن را بفهمند. این لغت عمومی اسلامی، خود بخود لغت قرآن، یعنی عربی خواهد بود.
جمله‌هایی که در این کتاب برای نماز با و اقامه آورده‌ایم بر روی هم ۲۹ جمله کوتاه است. یاد گرفتن این ۲۹ جمله عربی با معنی روشن آن، برای هر کس که علاقه داشته باشد، کار ساده‌ای است.
امروز در عموم کشورهای پیشرفته، آشنایی به یک زبان خارجی جزو معلومات عمومی است. بیشتر مردم این کشورها به یک زبان خارجی آشنا هستند و این خود یکی از نشانه‌های رشد و عوامل پیشرفت هر ملت محسوب می‌شود.
بنابراین، التزام مسلمانان به این‌که اصل نماز را به زبان عربی یاد بگیرند خود انگیزه‌ای برای بالا بردن سطح معلومات عمومی انها خواهد بود.
این ۲۹ جمله را با ترجمه کوتاه آن بار دیگر پشت سر هم می‌آوریم تا یاد گرفتن آن آسان‌تر باشد.

برای اذان و اقامه

«الله اکبر»
خدا از همه بزرگ‌تر است.
«اشهد ان لا اله الا الله»
این حقیقت را آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی‌می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.
«اشهد ان محمدا رسول الله»
این حقیقت را آشکارا می‌یابم و بر این یافته خود گواهی می‌دهم که محمد پیغمبر خدا است.
«حي علي الصلاه»
بیایید به سوی نماز.

«حي علي الفلاح»

بیایید به سوی رستگاری.

«حي علي خير العمل»

بیایید به سوی بهترین کارها.

«قد قامت الصلاه»

نماز به پا شد.

«الله اکبر»

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«لا اله الا الله»

جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

برای نماز

«الله اکبر»

خدا از همه بزرگ‌تر است.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

به نام خدای مهربان مهرورز.

«الحمد لله رب العالمين»

ستایش مخصوص خدا، خداوند جهان است .

«الرحمن الرحيم»

مهربان مهرورز.

«مالك يوم الدين»

دارنده روز پاداش.

«اياك نعبد و اياك نستعين»

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.

«اهدنا الصراط المستقيم»

راه راست را به ما بنما.

«صراط الذين انعمت عليهم»

راه آنان که از نعمت خود برخوردارشان ساختی.

«غير المغضوب عليهم»

نه آن‌ها که بر ایشان خشم گرفته شد.

«و لا الضالين».

و نه گمراهان.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

به نام خداوند مهربان مهرورز.

«قل هو الله احد»

بگو اوست خدا، خدای یکتا.

«الله الصمد»

آفریدگار جهان، کامل و بی‌نقص و بی‌نیاز است.

«لم یلد و لم یولد»

نه زاییده و نه زاییده شده.

«و لم یکن له کفوا احد».

و نه برای او همتایی بوده.

«سبحان ربي العظیم و بحمده».

خدای بزرگ خود را می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.

«سبحان ربي الاعلي و بحمده».

خداوند خود را که از همه بالاتر و برتر است می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.

«سبحان الله و الحمدلله و لااله الا الله و الله اکبر».

پیراسته باد خدا، ستایش مخصوص خداست، جز آفریدگارجهان خدایی نیست. خدا از همه بزرگ‌تر است.

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له»

بر این حقیقت گواهی می‌دهم که جز آفریدگار خدایی و او را شریکی نیست.

«و اشهد ان محمدا عبده و رسوله»

و بر این حقیقت گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیغمبر خدا است.

«الهم صل علي محمد و ال محمد».

بارالها بر محمد و دودمان محمد درود فرست.

«السلام علیك ایها النبي و رحمه الله و برکاته».

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

«السلام علینا و علي عبادالله الصالحین».

درود بر ما و بر بندگان شایسته کار خدا.

«السلام علیکم و رحمه الله و بر کاته».

درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.

این است نماز ما و نیایش روزانه ما؛

به سوی خدا؛ خدای یکتا؛ خدای پر مهر؛

نیایشی که هر فرازش، بیان‌گر اصلی از اصول جهان‌بینی اسلام؛

و هر حرکتش، نمایش‌گر پیوند عمیق انسان اسلام با خداست.

نیایشی که انسان را به سوی خدا، به سوی راه او، و به سوی رهبران او، می‌کشاند.

او را به همه شایسته‌کاران روی زمین، در طول تاریخ، در گذشته و آینده و حال، پیوند می‌دهد؛

و صف او را، از صف ستمگران، تبهکاران و گمراهان جدا می‌سازد،

تا در راه راست خدا، استوار بماند و به بیراهه نیفتد.

اینک تو ای انسان جستجوگر عصر ما، برخیز!

برخیز تا با شور و نشاط، به نیایشی چنین زنده و سازنده بپردازیم؛

و خود را از هر چه جز حق و حقیقت است پیراسته سازیم.

منبع: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی

آدرس: http://www.beheshti.org/maghalat/namaz.asp

[1] سوره اسراء، آیه ۲۴.

[2] **ارایتم لو ان نهرا بباب احدکم یغتسل فیه کل یوم خمسا، ما یقول؟ ذلك یبقي من دونه؟**

قالوا: لا یبقي من دونه شیئا!

قال: فذلك مثل الصلوات الخمس یمحو الله به الخطایا. (صحیح بخاری، کتاب نهم، باب ششم.)

[3] نشانه‌ای که برای وقت فضیلت عصر در کتاب‌های فقهی تعیین شده این است که سایه هر چیز در جهت مشرق به اندازه‌ای برسد که با خود آن مساوی باشد.

[4] نشانه قطعی غروب آفتاب در افق این است که در نیمه شرقی آسمان، شفق، یعنی باقیمانده اشعه افتاب که به صورت رنگ قرمز بر پهنه آسمان نمودار می‌شود، باقی نماند.

[5] یعنی پس از ناپدید شدن کامل شفق از کرانه غربی آسمان.

[6] یعنی پس از ناپدید شدن کامل شفق از کرانه غربی آسمان.

[7] اگر نیمه شب فرا رسید و نماز مغرب یا عشا را نخوانده است، باید پیش از فرا رسیدن صبح آن را بخواند، بی آن‌که نیت اداء یا قضا کند.

[8] سوره هود، آیه ۱۱۴.

[9] اذان و اقامه در همه کتاب‌های فقه شیعه و عموم روایاتی که از ائمه طاهرین ـ **سلام الله علیهم اجمعین** ـ در کتاب‌های حدیث شیعه نقل شده به همین صورت آمده است. رساله عملیه توضیح المسائل نیز در مساله ۹۱۸، اذان و اقامه را به همین صورت بیان کرده و بعد در مساله شماره ۹۱۹ درباره شهادت به ولایت چنین گفته است:

«**اشهد ان علیا ولي الله**» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «**اشهد ان محمدا رسول الله**» به قصد قربت گفته شود.

[10] سوره مائده، آیه ۶.

[11] برخی از نجاسات که بدن و لباس نمازگزار نباید بدان آلوده باشد عبارتند از: سگ، خوک، مدفوع و ادرار انسان و آن دسته از حیوان‌های حرام گوشت که سرعت جریان خونشان به اندازه‌ای است که اگر یک رگ آن‌ها پاره شود خون بیرون می‌جهد، منی و خون انسان و همه حیوانات، خواه حرام گوشت و خواه حلال گوشت، که سرعت جریان خونشان به اندازه بالا باشد، مردار انسان پیش از آن‌که غسل داده شود و مردار حیواناتی که سرعت جریان خون انها به اندازه بالا باشد.

[12] سوره بقره، آیه ۱۵۰.

[13] در سجده نماز باید پیشانی را روی خاک یا سنگ یا چیزی از این قبیل نهاد، یا بر چیزهایی که از خاک می‌روید، ولی برای خوراک یا پوشاک مصرف نمی‌شود. مهر نماز که غالبا در میان ما معمول است در حقیقت قطعه خاک پاکیزه‌ای است که همراه خود داریم تا برای سجده پیشانی روی آن بگذاریم.

[14] این قسمت از نماز «تشهد» و «سلام» نامیده می‌شود. در «سلام» نماز می‌توان به سلام سوم، یعنی: **السلام علیکم و رحمه الله و برکاته**، اکتفا کرد.

[15] در رکعت اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشاء سوره حمد و سوره توحید را با صدای بلند می‌خوانیم و در نمازهای ظهر و عصر با صدای آهسته.

[16] سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

[17] سوره بقره، ایات ۴۵ و ۴۶.

[18] سیره ابن هشام، جلد اول، صفحه ۲۶۳.

[19] همان، ص ۲۸۲.

[20] سیره ابن هشام، جلد چهارم، صفحه ۱۸۵.

[21] سوره جمعه، آیه ۹.

[22] سوره جمعه، آیه ۱۰.

[23] سیره ابن هشام، جلد ۲، صفحه ۱۳۹.

[24] در موقع گرفتن ماه یا خورشید در میان بسیاری از اقوام معمول است طبل و دهل بکوبند تا اژدهای غول پیکری را که به گمان آن‌ها درصدد بلعیدن ماه یا خورشید برامده بترسانند. این اژدهای غول‌پیکر ممکن است تعبیری عامیانه و افسانه‌ای از همان سایه زمین یا ماه باشد که سبب اصلی خسوف و کسوف است؛ ولی به هرحال طبل زدن برای ترساندن آن بدون شک کاری موهوم و خرافی است.